



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

سوگواری بر

امام حسین علیه السلام

سمیڈا احمد موسوی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سوگواری بر امام حسین ( علیه السلام )

نویسنده:

احمد موسوی

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	سوگواری بر امام حسین علیه السلام
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۱۰	دیدگاه مخالفان سوگواری
۱۲	عزاداری بر فقید از منظر قرآن
۱۴	عزاداری بر فقید از نگاه سنت
۱۸	دلالت سنت بر سوگواری بر امام حسین علیه السلام
۱۹	روایت های اهل سنت در عزاداری امام حسین علیه السلام
۲۷	دلالت روایت های شیعه به «سوگواری برای امام حسین علیه السلام»
۳۳	درباره مرکز

## مشخصات کتاب

زبان: فارسی

نویسنده: سید احمد موسوی

ناشر: سید احمد موسوی

نوع فایل: PDF

تعداد صفحات: ۲۵

حجم کتاب: ۳۵۶ کیلوبایت

## مقدمه

فاجعه خون بار و غم انگیز شهادت سرور شهیدان، حضرت امام حسین (ع) اثری عمیق و تألمی جبران ناپذیر بر دل های امت اسلامی و آزاد اندیشان جهان نهاد. از روز دهم محرم سال ۶۱ ه.ق که این حادثه دل خراش روی داد تاکنون، امت اسلامی و دوست داران آن حضرت، در شهادت مظلومانه او و یارانش و اسارت اهل بیت گرامی پیامبر عزادار بوده و اشک ماتم ریخته اند. تشکیل مجالس سوگواری و خواندن مرثیه و نیز سرودن شعرهای جانگدازی که بیان کننده مظلومیت و حقانیت آن امام و منعکس کننده جنایت های بی نظیر و قساوت قلب دشمنان آن حضرت باشد، همواره از سوی مسلمانان مورد توجه بوده و اکنون به صورت، یکی از کهن ترین «سنت» های تغییرناپذیر الهی در آمده است. بسیاری از حرکت های عظیم اجتماعی در تاریخ بشر (پس از شهادت امام حسین (ع)) از نهضت بزرگ امام حسین الهام گرفته و از همین مجالس آغاز شده است. سنت سوگواری بر امام حسین و یارانش از آغازین روزهای پس از شهادت آن امام همام پای گرفت و روز به روز بر غنای آن افزوده گشت. مرحوم شیخ مفید در کتاب «مجالس» و شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی در کتاب «امالی» در روایتی که سلسله سند آن به صورت پیوسته به ابراهیم بن راجه می رسد، می گویند: «نخستین کسی که در شهادت حسین بن علی (ع) مرثیه خواند، (مردی) از قبیله بنی سهم بن عود بن غالب بن عقبه بن عمرو السهمی بود. از سروده های او در «رثای» امام حسین این است: مررت علی قبر الحسین به

کربلا ففاض علیه من دموعی غزیرهاو مازلت أرثیه و أبکی لشجوه و یُسعدُ عینی دَمُعُها و زفیڑهاو بکیت من بعد الحسین عصایا أطافت به من جائیئها قبورُهاسلام علی اهل القبور به کربلا و قل لها منی سلام\* یزورهاسلام بأصال العشی و بالضحی تؤدیه نکباء الریاح و مورها...» در کربلا به آرام گاه حسین (ع) گذر کردم. پس از چشمانم آبی بسیار جاری شد. تا زنده ام، برای حزن و اندوه حسین مرثیه می خوانم و اشک چشم و ناله هایم مرا یاری می کند. پس از حسین (ع) بر یاران او می گریم، آنانی که قبرهایشان به واسطه حسین از دو سمت طواف می شوند. سلام بر شهیدان گورستان سرزمین کربلا و بر اهل آن قبرستان، از من به آنان سلامی بازگو کن که آنان را زیارت کند. سلام به هنگام عصر، شب و روز در هنگامی که بادهایی از شمال شرقی می وزد و غباری که از باد برمی خیزد، آن را می رساند.» برخی از منابع، اشعار دیگری از شاعر یاد شده، نقل کرده که محتوای آن نشان می دهد در روزهای نخستین شهادت امام و پیش از به خاک سپرده شدن اجساد مطهر، آن را سروده بوده است. با گذشت زمان، برپایی مجالس سوگواری و سرودن شعر در رثای امام حسین (ع)، روز به روز قوت می گرفت. شاعران نام داری چون فرزدق، کمیت، دعبل خزاعی و... و اندیشه ورانی چون سیدرضی، سید مرتضی، سید بحر العلوم و دیگر صاحب نظران اسلامی چون اسماعیل بن عباد، خالد بن معدان، ابن حماد، ابومنصور بن علی القطیفی معروف به قطان، عبدالسلام بن محمد قزوینی بغدادی، صاحب بن عباد، عطیه کوفی، سفیان صوری، نقیب بغدادی، ابوالحسن علی بن احمد جرجانی و

ده ها صاحب نظر دیگر که بیشتر آنان از اهل سنت و جماعت هستند، اشعار سودمندی در رثای امام حسین (ع) سروده اند. پیشوایان مذهب های فقهی چون امام ابوحنیفه، امام شافعی، امام مالک و امام احمد بن حنبل و شاگردان برجسته آنان، در عزای سرور شهیدان مرثیه خوانده اند. امام شافعی در سوگ امام حسین (ع) اشعاری سروده است که بخشی از آن را یاد می کنیم: «تَأْوَهُ قَلْبِي وَ الْفَوَادِ كَثِيبٌ وَ أَرْقَ نَوْعِي وَ الشُّهَادُ عَجِيبٌ وَ مِمَّا نَضَى جَسْمِي وَ شَيْبَ لَمْتِي تَصَارِيفَ إِيَامٍ لَهْنٍ خَطُوبِ فَمَنْ مُبْلِغَ عَنِّي الْحَسِينِ رِسَالَهُ وَ انْ كَرِهَتْهَا أَنْفُسٌ وَ قُلُوبٌ ذَبِيحٌ بِلَا جَرْمٍ كَأَنَّ قَمِيصَهُ سَيْغٌ بِمَاءِ الْأَرْجَوَانِ خَضِيبٌ فَلَلسَيْفِ إِعْوَالٍ» و لِلرَّمْحِ رَنْهٌ وَ لِلخَيْلِ مِنْ بَعِيدِ الصَّهِيلِ نَحِيبٌ تَنْزَلَتْ الدُّنْيَا لِأَلِ مُحَمَّدٍ وَ كَادَتْ لَهُمْ صَمٌّ الْجِبَالِ تَذُوبٌ وَ غَارَتْ نَجُومٌ وَ اقْشَعَرَّتْ كَوَاكِبٌ وَ هَتَكَ اسْتَارٌ وَ شَقَّ جِيُوبٌ يَصِلِي عَلَى الْمَبْعُوثِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ وَ يَغْزِي نَبُوهُ انْ ذَا لِعَجِيقَلِيمِ آه كَشِيدٌ وَ دَلْمٌ اَنْدُوهُ كَيْنٌ كَرْدِيدٌ. خوابم به بیداری منجر گردید و بیداری من عجیب بود. آنچه بدنم را لاغر کرد و موی سفیدم را سفیدتر نمود، حوادث روزهایی بود که بسیار دشوار و ترس آور است. پس چه کسی از من به حسین (ع) درستی رسالت او را می رساند؟ گرچه نفس ها و قلب ها (ی ناپاک) از آن کراهت دارد. کشته شده بی گناهی که پیراهنش با رنگ قرمز (خون بدنش) رنگین و خضاب گردید. پس برای شمشیر گریه ای با صدای بلند است و برای سر نیزه، نوحه و زاری و برای اسب ها ناله ای است. دنیا برای آل محمد به زلزله آمد، کوه ها برای آنان ندبه می کنند. ستاره های در ماتم و غوغا فرو رفته اند و



موی بر تن کواکب راست شده و جامه بر تن دریده و گریبان چاک کرده اند. بر فرستاده شده ای از آل هاشم درودی می فرستند و با فرزندان او می جنگند. این عجیب است. اگر گناه من دوستی آل محمد است، پس هرگز از این گناه توبه نمی کنم. آنان شفیعان من در روز محشر هستند، هنگامی که برای نگاه کنندگان، دشواری من آوری باشد. سوگواری بر امام حسین (ع) تنها به آدمی زادگان اختصاص ندارد، بلکه جنیان نیز در ماتم آن شهید بزرگ عزاداری کرده و اشعاری سروده اند. متفکر شهید مرتضی مطهری در این باره گوید: «در قمقام، صفحات ۵۰۹ تا ۵۱۳، قسمت زیادی از مراثی جنی ها به صورت شعر نقل شده است.» خاندان رسالت و پیشوایان معصوم شیعه نیز، بی تردید از ترویج کنندگان اصلی این سنت بوده اند. روضه های سوزناک حضرت زینب کبرا (س) و امام سجاد (ع) در دوران اسارت و پس از آن و نیز برگزاری مراسم سوگواری توسط امام باقر و امام صادق (ع) سند زنده این حقیقت است. از آنچه که بیان شد به خوبی فهمیده می شود، سنت سوگواری بر شهدای کربلا از اولین روزهای بعد از حادثه آغاز شده و تا این زمان، لحظه به لحظه بر شور و حال آن اضافه گردیده است. بسیاری از بزرگان و صاحب نظران اسلامی - از فرق مختلف - در گسترش این سنت تلاش ورزیده و همواره به آن اهتمام داشته اند. اما در عین حال، برخی از دشمنان آل پیامبر (ص) که همیشه در تلاش بوده اند تا انوار الهی را خاموش نمایند، در کنار بعضی دیگر از عقاید دینی مذهبی مسلمین، سنت سوگواری بر امام حسین (ع) را نیز زیر سؤال

برده اند. در میان این دسته، احمد تقی الدین ابن تیمیه که پایه گذار مبانی فکری و اعتقادی وهابیت بود، بیشترین لجاجت را به خرج داده است. ما در این نوشتار، نگاهی گذرا به دیدگاه ابن تیمیه (به عنوان علم دار مخالفت با این سنت) و پیروان او می پردازیم. آن گاه به طرح مسئله سوگواری بر امام حسین می پردازیم و در آن از «جایگاه» سوگواری در کتاب و سنت، «سوگواری بر امام حسین در متون معتبر شیعه و سنی» سخن خواهیم گفت.

## دیدگاه مخالفان سوگواری

«احمد تقی الدین ابن تیمیه» از جمله کسانی است که بیشترین مخالفت را با برگزاری سوگواری بر امام حسین ابراز کرده است. او برای این که عزاداری بر امام حسین را بدعت نشان دهد و حکم به حرمت آن کند، اصل قیام امام را زیر سوال برده است. ابن تیمیه معتقد است نهضت حسین (ع)، حرکتی فاسد و در جهت هوای نفس بوده است. همچنین ابن تیمیه دفاعیات سرسختانه و محکمی از یزید بن معاویه در خصوص به شهادت رساندن امام حسین (ع) انجام داده است. ابن تیمیه و پیروانش، برگزاری هرگونه جشن و سرور در ولادت های پیشوایان دینی و شخصیت های برجسته و نیز عزاداری برای ارتحال آنان (حتی شخص رسول اکرم (ص)) را حرام و بدعت در دین می پندارند. اما درباره برپایی مجالس عزاداری برای امام حسین و اهل بیت آن حضرت حساسیت بیشتری نشان داده اند. ابن تیمیه، عزاداری بر امام حسین (ع) را با دلایل زیر بدعت و حرام دانسته است: ۱- از آن جا که مطلق عزاداری ها برای شهید یا متوفا به منزله پرستش و عبادت آن شخص است، عزاداری برای امام حسین نیز همان حکم حرام را دارد. ۲- چون عزاداری بر

حسین از اعمال شیعه است و از طرفی تمام عقاید و کردار شیعیان باطل و خارج از تعلیمات دینی است، این عمل نیز هم چون سایر اعمال آنان بدعت و باطل است. ۳- چون قیام امام حسین در برابر یزید، امر مطلوب و شایسته ای نبود، بلکه مفاسدی را به همراه داشت؛ از این رو، عزاداری بر امام حسین جایز نیست. ۴- چون عزاداری بر حسین، همواره با لعن یزید همراه است و از طرفی یزید، خلیفه مسلط به بلاد اسلامی بود و لذا پیشوایان دین با اتفاق نظر، لعن او را حرام می دانند، پس عزاداری بر حسین بن علی صحیح نیست. ابن تیمیه پس از ذکر پاره ای از اظهارات الحادی پیرامون قیام، چنین اظهار نظر می کند: «فلیعلم المسلمون ان الكبراء علی الحسین یعقیده أنه قتل مظلوماً و عدواناً لعلو بل کفر و یوجب الخروج عن الاسلام؛ مسلمانان باید بدانند که گریه کردن بر حسین به دلیل این که او مظلوم و از راه دشمنی کشته شد، لغو، بلکه کفر است و موجب خروج از دین اسلام می شود.» پس از ابن تیمیه، تعدادی از پیروان او نیز سیره و سلوک او را در پیش گرفتند. «محمد بن عبدالوهاب» مؤسس فرقه وهابیت در یکی از کتاب های خود به نام «الرد علی الرافضه» به مسئله سوگواری بر امام حسین پرداخته است. وی می گوید: «عزاداری برای امام حسین (ع) کفر و خارج شدن از دین است. عزاداری برای حسین (ع) بدعت است و باید از آن جلوگیری شود.» محمد بن عبدالوهاب در این باره به سخن استاد فکری خود ابن تیمیه استناد می کند و می گوید: «شیخ الاسلام ابوالعباس تقی الدین احمد ابن تیمیه می گوید: عزاداری برای حسین از بدعت ها و

منکرات و اعمال قبیح و زشت و خلاف شرع است و برگزار کنندگان این مراسم ها باید توبه داده شوند و اگر توبه نکنند، باید کشته شوند.» «شیخ عبدالرحمن آل شیخ» (نوه محمد بن عبدالوهاب) در کتاب «فتح المجید» که بر ضد شیعه نوشته شده می گوید: «شیعه قائل به عصمت ائمه است. قائل به قاعده حسن و قبح عقلی است، قائل به استغاثه به ائمه است. قائل به جواز زیارت قبور ائمه است. قائل به جواز سوگواری در ایام وفات ائمه و مخصوصاً سوگواری برای امام حسین است.» با توجه به آنچه ذکر شد، باید دید که آیا عزاداری بر امام حسین (ع) از سنت های شیعیان است؟ یا دیگر فرقه های اسلامی نیز به آن اهتمام دارند؟ هم چنین باید روشن شود که سوگواری بر امام حسین بر چه مبنای دینی استوار است؟ و آیا دلایل ابن تیمیه بررد سوگواری امام حسین (ع) از مبنای علمی، تحقیقی و غیر مغرضانه برخوردار است یاخیر؟ پیش از وارد شدن به اصل بحث، بی مناسبت نیست که نگاهی گذرا به اصل «عزاداری برای فقید» از منظر کتاب و سنت بیفکنیم.

### عزاداری بر فقید از منظر قرآن

آیاتی از قرآن کریم، سوگواری بر فقید را با صراحت تمام تأیید می کنند. در این آیات سوگواری بعضی از پیامبران در فقدان دوستان و عزیزانشان بازگو شده است. روشن ترین آیاتی که از سوگواری پیامبری در فقدان دیگری سخن می گوید، آیات ۸۴ تا ۸۶ سوره مبارکه یوسف است. این آیات در ضمن توصیف حالت یعقوب پس از فقدان یوسف، تأثر شدید و حزن زاید الوصف و گریه شدید یعقوب را با بیان زیر ترسیم می کند: (و تولى عنهم وقال يا أسفى على يوسف و ابیضت عیناه من الحزن فهو کظیم»

قالوا تا الله تفتوا تذکر یوسف - حتی تکون - حرضاً أو تکون - من الهلکین قال انما أشکو بئى و حزنى الى الله و اعلم من الله ما لاتعلمون). یعقوب از فرزندان خویش روی برگرداند و گفت: بر فراق یوسف متأسفم و چشمانش از اندوه سفید شد. و اندوه خود را فرو می خورد. فرزندان یعقوب گفتند: به خدا سوگند تو آن قدر به یاد او هستی تا این که بیمار شوی یا بمیری یعقوب گفت: شرح اندوه و پریشانی خود را تنها با خدای خویش، شکایت می برم و من از رحمت خدا می دانم، آنچه را شما نمی دانید. عمر عبدالسلام از محققان اهل سنت و جماعت مشروعیت گریه بر فقید را از دیدگاه قرآن کریم، آشکارا و روشن دانسته و برای اثبات آن به دو آیه یاد شده استدلال می کند. «ان فی القرآن الکریم و السنه المتواتره شواهد جلیه علی جواز البكاء علی الفقید و اوضح ما ورد فی القرآن الکریم وضعه تعالی حاله یعقوب (ع) - بعد ضیاع یوسف (ع) - منه اخباره اذ یقول تعالی...؛ در قرآن کریم و سنت متواتره بر جواز گریه کردن بر فقید، شواهدی آشکار است و در قرآن کریم، واضح ترین چیزی که (بر جواز گریه بر فقید) وارد شده است، این است که خدای تعالی پس از فقدان یوسف و قطع شدن گزارشی از اوضاع حالت یعقوب را با بیان زیر منعکس می کند...» آن گاه آیات یاد شده را ذکر کرده است. آشنایان به کتاب و سنت می دانند که یعقوب در فراق فرزندش یوسف، شب و روز می گریست. سوگواری او در فراق فرزندش به قدری شدید بود که بینایی خود را از دست داد. بیماری و فقدان بینایی یعقوب مایه فراموشی یوسف

نگردید، هرچه وعده وصال نزدیکتر می شد، آتش عشق و محبت یعقوب به فرزند دل بندش یوسف، شعله ورتر می گردد و لذا به نص قرآن کریم بوی یوسف را از فرسنگ ها راه، استشمام می کرد. (إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا تَفَنَّدُونَ)؛ «اگر به من نیرنگ زده باشید، من بوی یوسف را استشمام می کنم.» از این رو، به جای این که یوسف به دنبال پدرش راه بیفتد، خورشید جمال یعقوب به دنبال ستاره گم شده خود: یوسف، به سرزمین مصر حرکت می کند. قرآن کریم در حین بازگو کردن شرح حال یعقوب نه فقط انتقادی به یعقوب نمی کند بلکه تاثر و اندوه او را، برای آگاهی انسان ها در همه نسل ها منعکس می نماید. بی تردید، اگر این پیامبر بزرگوار در میان وهابی های امروز در سرزمین عربستان می بود، درباره او چگونه داوری می کردند؟ یا اگر در زمان ابن تیمیه می بود، یقیناً در باور و پندار او جزء مشرکان قرار می گرفت.

### عزاداری بر فقید از نگاه سنت

اخبار و احادیث متواتر نبوی که از فراسوی «وحی» تراویده و از سرچشمه زلال (مایطق عن الهوی ان هو الّما وحی یوحی) جوشیده و از گفتار و رفتار آن بنی رحمت سخن می گویند و نیز روایت هایی که از اهل بیت مطهر پیامبر خدا و صحابه مکرم آن حضرت در زمینه «تشریح سوگواری برای متوفا و شهدای ارجم اند اسلام» به ما رسیده، بی شمارند. محدثان و راویان اخبار و احادیث، هر یک در «صحاح» و «سنن» و «موسوعات» روایی خویش، در این زمینه به صورت متواتر نقل حدیث کرده اند. عمر عبدالسلام، در کتاب خود به نام «مخالفة الوهابیه للقرآن و السنه» طیف بی شماری از این روایت ها را از منابع گوناگون، روایی از پیامبر و اهل بیت مطهر و

صحابه آن حضرت گرد آورده است که خوانندگان می توانند به این منبع مراجعه کنند. ما نیز در حد گنجایش این نوشتار، دسته ای از روایت ها را در جهت اثبات «جواز سوگواری در وفات» که از منابع اهل سنت تحقیق کرده ایم، در این جا یاد می کنیم: مسلم در صحیح خود روایت می کند: «النبی ء (ص) زار قبر امه و بکی و ابکی من حوله؛ پیامبر، مرقد مادر گرامی خود را زیارت کرد، آن گاه گریست و کسانی را که در اطراف آن حضرت بودند به گریه آورد.» در صحیح بخاری باب جنائز و سنن بیهقی جزء چهارم چنین آمده است: «ان رسول الله بکی فی موت ابراهیم فقالوا یا رسول الله تبکی و انت رسول الله؟ قال: انما انا بشر تدمع العين و یخشع القلب و لانقول ما یسخط الرب؛ همانا پیامبر خدا (ص) در مرگ پسرش ابراهیم گریه کرد. اصحاب گفتند: ای پیامبر خدا، آیا شما پیامبر خدا نیستید که گریه می کنید؟ حضرت فرمود: من هم مثل شما بشرم، چشم ادمی گریه می کند و قلب هر انسانی نرم می شود و من چیزی را که موجب غضب پروردگار گردد، نمی گویم.» جمعی از محدثان، چون «ابن شبه» در «تاریخ مدینه المنوره»، «سید نورالدین سمهودی» در «وفاء الوفا» و «ابن حجر» در «الاصابه» بیهقی در کتاب «الجنائز» از «سنن» خود و ابن ماجه نیز در کتاب «الجنائز» از «سنن» خود روایت کرده اند: «و ورد انه (ص) قال مخاطباً رقیه بعد موتها: الحقی بسافنا الخیر عثمان بن مظعون قال: و بکی النساء فجعل عمر یضربهن بسوطه فاخذ النبی (ص) بیده و قال دعهن ۛ یا عمرو قال: و ایا کن ۛ و نعیق الشیطان فانه مهما یکن من العین و

القلب فمن الله و من الرحمه و مهما يكن من اللسان و من اليد فمن الشيطان. قال: فبكت فاطمه على شفیر القبر فجعل النبي (ص) يمسح الدموع عن عينيها بطرف ثوبه؛ روایت شده است که پس از فوت رقیه، دختر گرامی پیامبر، در حالی که پیامبر او را مخاطب قرار داده بود، فرمود: به سلف نیک ما پیوستی. عثمان بن مظعون، روایت کرده است که زن ها گریه می کردند، آن گاه عمر بن خطاب با تازیانه خود، آنان را می زد (تا از گریه کردن باز دارد) پیامبر خدا با دست مبارک خود او را گرفت و فرمود: ای عمر! آنان را به حال خودشان واگذار. و فرمود: از فریادهای شیطان بپرهیزید، همانا گریه کردن هرگاه از چشم و قلب نشئت بگیرد، پس از سوی خدا و رحمت است و هرگاه از زبان و دست سرچشمه گیرد از سوی شیطان است. عثمان بن مظعون گوید: فاطمه (س) در کنار قبر رقیه گریه کرد و پیامبر اشک های چشم فاطمه را با گوشه پیراهن خود پاک می کرد. از روایت های یاد شده، چنین استفاده می شود که پیامبر خدا در مرگ هر یک از نزدیکان خود، چون مادر گرامی و پسر و دختر خودش، شدیداً می گریسته و در مرگ پسرش ابراهیم، تصریح کرده است که هر بشری گریه می کند. پس اگر پیامبر خدا در زمان ابن تیمیه و یا وهابیان امروز زندگی می کرد قطعاً از سوی آنان به بدعت گذاری و شرک متهم می شد. «ابن سعد» در «طبقات» و «ابن اثیر» در «کامل» و «احمد بن حنبل» در «مسند»، مسند عبدالله بن عمر، از عبدالله بن عمر روایت کرده اند: «ان رسول الله (ص) قال بعد استشهاد حمزه: فحمزه لابواکی له، فجاء نساء الانصارالی باب رسول



الله فبکین علی حمزه فدعا لهن رسول الله (ص)؛ پس از شهادت حمزه (سیدالشهدا) پیامبر خدا فرمود: حمزه هیچ گریه کننده ای ندارد. پس زنان انصار به درخانه رسول خدا، آمدند و برای حمزه به سوگواری پرداختند و پیامبر خدا در حق آنان دعا کرد. از این روایت به روشنی استفاده می شود که پیامبر خدا، عزاداری برای شخصیتی چون حمزه را مهم و دارای فضیلت می شمرد و گرنه هیچ گاه از این که حمزه گریه کننده ای ندارد، افسوس نمی خورد و از سوی دیگر در حق زنان انصار که برای حمزه گریه کرده بودند، دعا نمی کرد. و نیز عبدالله بن عمر گوید: «ما رأینا رسول الله (ص) باکیاً اشد من بکائه علی حمزه بن عبد المطلب؛ ما هیچ گاه ندیدیم که پیامبر خدا به اندازه ای که در شهادت حمزه گریه کرد، گریه کند.» ظاهراً در استحباب و فضیلت سوگواری و عزاداری برای شخص متوفا و شهید تردیدی باقی نمی ماند و بیش از این نیازی به ذکر روایت از پیامبر خدا نخواهد بود. روایت دیگری در کتب حدیثی آمده است که پس از ارتحال جان گداز پیامبر، فاطمه زهرا دخت گرامی حضرت گریه می کرد و می گفت: «یا ابتاه اجاب رباً دعاه یا ابتاه جنه الفردوس مأواه یا ابتاه الی جبرئیل لعناه یا ابتاه من ربه ما أدناه؛ ای پدر بزرگواری که خداوند دعوت او را اجابت کرد، ای پدری که جنه الفردوس جایگاه او قرار گرفت؛ ای پدر من، تو آن کسی هستی که به جبرئیل دیگر ملاقات نداری، ای پدر من، تو آن کسی هستی که به خدای خویش نزدیک شدی.» و نیز در صحیح مسلم آمده است: «ان عائشه ذکر لها ان عبدالله بن عمر یقول ان

المیت لیعذب بیکاء الحی فقلت عائشه یغفر الله لابی عبدالرحمن، اما انه لم یکذب ولکنه نسی او أخطأ انما مرّ رسول الله (ص) علی یهودیه یکی علیها فقال: انهم یبکون علیها و انها لتعذب فی قبرها؛ به عایشه گفتند که عبدالله بن عمر می گوید: با گریه زنده ها، میت در قبر عذاب می شود. عایشه گفت: خداوند ابو عبدالرحمن (عبدالله ابن عمر) را بیخشد، او دروغ نمی گوید ولی او فراموش یا اشتباه کرده است (اشتباهاً از روایت پیامبر خدا سوء برداشت کرده است) روزی پیامبر خدا بر زن یهودیه متوفائی گذشت که دیگر یهودیان بر او گریه می کردند. پیامبر فرمود: این ها (یهودیان) برای او گریه می کنند در حالی که او در قبر خود عذاب می شود. یعنی او به کفر اعمال و اعتقاد خود، عذاب می شود و این ها از دوری او گریه می کنند. «مطالب فشرده ای که تاکنون عنوان شد، گذری اجمالی بر اصل فضیلت و استحباب «سوگواری» برای فقید بود. و اکنون مناسب است، در خصوص عزاداری برای سرور شهیدان و سید مظلومان حضرت امام حسین (ع) مطالبی مستند به کتاب های معتبر شیعه و سنی بیان گردد.

### **دلالت سنت بر سوگواری بر امام حسین علیه السلام**

از روزی که پیشوای آزادگان حضرت امام حسین (ع) با یاران و اهل بیت خود، در سرزمین کربلا و بابل تشنه در کنار آب فرات به صورت مظلومانه و به طرز فجیعی، به شهادت رسیدند، قاطبه امت اسلامی از سنی و شیعه عزادار بوده و از آن روز تاکنون که در حدود چهارده قرن، سپری می شود، نه تنها از تپش قلب امت اسلامی، چیزی کاهش نیافته و آتش این ماتم فرو ننشسته که هر چه از تاریخ آن بیشتر می گذرد، داغ عزای حسین بن علی (ع) گسترش بیشتر

و آتش مصیبت آن حضرت، در دل‌ها مشتعل می‌شود، چنان‌که شاعر می‌گوید: زان تشنگان، هنوز به عیوق می‌رسد آواز العطش ز بیابان کربلاسرّ این حقیقت بر هیچ مسلمان مومن و متعهد پوشیده نیست. گذشته از این‌که امام حسین (ع) با قیام و شهادت مظلومانه خود، آیین تابناک اسلام را از فنا و نابودی مطلق، نجات داد با تبرئه شریعت توحیدی محمد (ص) از اعمال یزید و دیگر حکام اموی صف مسلمانان را از یزیدیان جدا کرد. گریه در عزاداری امام حسین (ع) جزء ایمان و اعتقادات ائمت اسلامی قرار گرفته است؛ زیرا، این ائمت در روایت‌های متواتر و پرشماری از پیامبر خدا (ص) چونان‌که وجوب حج و جهاد و روزه و... شنیده‌اند، گریه بر حسین را نیز از گفتار و رفتار آن گرامی شنیده‌اند، مسلمانان به خوبی می‌دانند که پیامبر خدا با «اخبار جبرئیل» هم خود بر «شهادت» و «مظلومیت» حسین گریه می‌کرد و هم مسلمانان را به گریه بر آن حضرت، فرا می‌خواند، پس گرچه بر امام حسین (ع) اطاعت از دستور «قولی» و «فعلی» رسول خدا است. این‌که به بعضی روایت‌هایی که از طریق شیعه و سنی در این زمینه، از پیامبر گرامی اسلام و نیز اهل بیت آن حضرت و دیگر پیشوایان اسلامی، رسیده در حدّ نیاز این نوشتار، به صورت اجمال و گذرا، اشاره خواهیم کرد. نخست به نقل دسته‌ای از روایت‌ها که از طریق اهل سنت، نقل می‌شود می‌پردازیم، سپس روایت‌هایی را از طریق شیعه یاد می‌کنیم

### روایت‌های اهل سنت در عزاداری امام حسین علیه السلام

عمر عبدالسلام از محققان معاصر اهل «سنت» و «جماعت»، پس از استدلال به آیاتی از قرآن در زمینه عزاداری برای امام

حسین (ع) به وجود روایت های متواتر در این موضوع اشاره کرده است و گوید: «و هم چنین سزاوار است که اشاره کنیم به روایت های متواتری که بر خبر دادن «جبرئیل» از شهادت حسین (ع) از «اهل بیت و ذوی القربی» دلالت می کنند. من از این دسته از روایت ها در حدود دویست روایت را برشمردم. بعضی از این روایت ها در (کتاب) «اسد الغابه» ج ۱ ص ۳۴۹، نوشته ابن اثیر و بعضی دیگر در کتاب «الکامل» ج ۴ ص ۹۳ و نیز در کتاب «البدایه و النهایه» و بعضی دیگر در «المعجم الکبیر» ج ۳ ص ۱۱۳ و ج ۴ ص ۱۱۵ نوشته طبرانی و بعضی دیگر از آن روایت ها در «فوائد السمطین» نوشته جوینی و نیز در مسند «احمد ابن حنبل» مسند «علی ابن ابی طالب» ج ۱ ص ۸۵ و نیز منابع دیگر، ذکر شده است.» عمر عبدالسلام از باب نمونه، به بعضی از آن احادیث اشاره می کند و می گوید: «از جمله این روایت ها، روایت اسماء بنت عمیس است. اسماء گوید: رسول خدا فرمود: ای اسماء، گروه ستم گری که خداوند آنان را از شفاعت من بی نصیب می داند، فرزندم حسین را می کشد.» حدیث عایشه یکی دیگر از آن روایت ها است که گوید: «بیتنا رسول الله (ص) راقداً اذ جاء الحسين یحبوا الیه فنهیته عنه ثم قمت لبعض امری فدنا منه، فاستیقظ رسول الله و هو یبکی! فقلت: ما یبکیک؟ قال ان جبرئیل ارانی التربه التي یقتل علیها الحسین، فاشتد غضب الله علی من سفک دمه...» «روزی پیامبر خدا (ص) در خواب بود، هنگامی که حسین (ع) آمد به سمت آن حضرت رفت و من مانع از نزدیک شدن او به پیامبر گردیدم، سپس از جا بلند شدم تا

کارم را انجام دهم، حسین نزد پیامبر رفت، سپس پیامبر (ص) از خواب بیدار شد، در حالی که گریه می کرد. گفتم: چه چیز شما را به گریه آورده است؟ پیامبر فرمود: جبرئیل، تربتی را به من نشان داد که حسین بر آن کشته می شود پس غضب خداوند بر کسانی نازل خواهد بود که خون حسین را می ریزند.» و نیز؛ «ابن اثیر در «اسد الغابه» از انس بن حارث بن «ایه» و او از پدرش روایت کرده است که گوید من خود شنیدم که پیامبر خدا در حالی که حسین در دامنش بود، می فرمود: این پسر در سرزمینی که به آن عراق گفته می شود، به قتل می رسد پس هر کس او را درک کند، باید به یاری اش بشتابد.» آنچه یاد شد، برخی از روایت هایی بود که عمر عبدالسلام در کتاب خود برای نمونه به آن اشاره کرده است و برای توضیح بیشتر باید به همان مدرک مراجعه شود. ابن اثیر این روایت را در کتاب دیگر خود به نام «البدایه و النهایه» از بغوی با اندکی تفاوت با روایت قبلی نقل کرده و آن این است: «قال الصحابی انس بن الحارث: سمعت رسول الله يقول: ان ابني هذا... یعنی الحسين - يقتل بارض يقال لها كربلا ضمن شهد منكم ذلك فلينصره؛ انس بن حارث صحابه پیامبر گفت: شنیدم که پیامبر خدا می فرمود: همانا این پسر من (یعنی حسین) به سرزمین که کربلا نام دارد کشته می شود پس هر کس از شما او را درک کند باید به یاری او بشتابد.» احمد ابن حنبل در مسند خود روایت کرده است که علی (ع) در راه خود به «صفین» از کربلا گذشت. پس صدازد:

«یا ابا عبدالله! (ای حسین) در کنار شط فرات، صبر کن! آن گاه فرمود: روزی در محضر رسول خدا، بودم، چشم های آن حضرت پر از اشک بود. گفتم ای پیامبر خدا چه چیز شما را به گریه آورده است؟ حضرت فرمود: لحظه هایی پیش جبرئیل در نزد من بود و به من گفت: حسین (ع) در کنار «شط فرات» کشته می شود و به من گفت: آیا تربت او را، استشمام می کنی؟ پیامبر فرمود: آن گاه جبرئیل دست خود را دراز کرد و مشتی از خاک را به من داد و من هیچ اختیاری از چشمم ندارم، جز این که اشک می بارد.» احمد ابن حنبل در مسند خود روایت می کند: «از ابن عباس روایت شده است که گفته است: روزی در محل شهادت حسین (ع) بودیم، پیامبر خدا را نصف روز در خواب دیدم در حالی که سر و صورتش پر از گرد و غبار بود، شیشه ای در دست آن حضرت بود که در آن شیشه خون جاسازی شده بود، پس گفتم: ای پیامبر خدا، پدر و مادرم فدای شما این چیست؟ حضرت فرمود: این خون حسین و اصحاب حسین است که از امروز تا همیشه می جوشد.» ابن عباس گوید: ما آن روز را شمردیم و روز قتل امام را پیدا کردیم.» این قسمت از این فصل را با نقل روایتی از یکی از محدثان اهل سنت توسط مرحوم علامه امینی به پایان می بریم، پوشیده نیست که علامه امینی از فرهیختگان و صاحب نظران شیعه است ولی چون روایت مورد نظر را از منابع اهل سنت ذکر کرده، ما هم در این ردیف به نقل آن مبادرت می ورزیم. علامه امینی در کتاب خود به

نام «راه ماراه و روش پیامبر ما ست» روایت های زیادی را از منابع معتبر اهل سنت در زمینه سوگواری بر امام حسین نقل می کند. علامه امینی صاحب الغدیر در کتاب خود به نام «راه ما راه و روش پیامبر ماست». در ضمن انعکاس دیدگاه صاحب نظران اهل سنت در زمینه عزاداری امام حسین (ع) می گوید: «و شاید بتوان گفت که تجدید یاد بود در «میلاد» و «مرگ و میر» اعیاد بزرگ نهضت های دینی و ملی، حوادث اجتماعی جهانی، و وقایع مهمی که در بین ملت ها رخ می دهد، با عنایت به شماره سال هایی که از حدوث آن وقایع مهم تاریخی می گذرد و سال گرد آن را روز جشن و سرور یا خون و سوگواری قرار دادن، از شعائر و رسوم دیرینه ای است که طبع بشری و افکار شایسته آن را در ملل و امم گذشته پی ریزی کرده و قبل از جاهلیت و بعد از آن، هم چنان که تا این زمان، متداول ساخته است. این «اعیاد» یهود و نصاری و عرب قبل از اسلام و بعد از اسلام است که تاریخ در صفحاتش ضبط نموده و گویا این سنت، از تمایلات انسانی است، که از عوامل حب و عاطفه، ناشی می گردد و از سرچشمه حیاتی، آبیاری می شود و شاخ و برگ می گیرد، که از اصول احترام و تقدیر و تحسین و بزرگ داشتن رجال دین و دنیا و قهرمانان بی نظیر و بزرگان امت، منشعب می شود و منظور از آن، زنده داشتن خاطره و جاویدان ساختن نام چنین مردانی است که در آن، فوائد تاریخی و اجتماعی بوده و برای نسل های آینده وعبرت و دستورالعمل مفید و موثر است و در

آن تجارب و آزمایش‌هایی است که موجب بیداری ملت‌هاست (و این سنت)، اختصاص به یک گروه و ملتی ندارد. آری، روزهای تاریخی از حوادث مهم و پیشامدهای ناگواری که در آن‌ها رخ داده، نورانیت و بهجتی کسب می‌کند که در میان سایر روزها به کرامت و عظمت نشان دار شده و از خوبی و بدی آن حوادث، کسب سعد و نحوست کرده و رنگ آن حوادث را به خود می‌گیرد. و تاریخ تاکنون روز را نشان نداده که حادثه واقع در آن، از حادثه محرم (روز نهضت مبارک حسینی) - که هر مسلمان با غیرت شرافت مند آزاده به آن افتخار می‌کند - بزرگ‌تر و مهم‌تر و مصیبت‌بارتر باشد، و در آن درس‌های عالی است که در مدرسه توحید و عبادت، کلاس‌نهایی از حکمت عملی به حساب می‌آید، چنان‌که ترسیمی که عاشورا از آزادگی و بلندی همت، جان‌بازی در راه خدا کرده، زیباترین ترسیم و کامل‌ترین و روشن‌ترین تصویر است (عاشورا) اقدام مثبتی است در برانداختن و ریشه‌کن نمودن مشکلات فساد و تباهی از مسیر صحیح انسانیت. (عاشورا) اقدام مثبتی است در فاصله‌گرفتن و بیزارگری جستن از رذائل و پستی‌ها. (عاشورا) اصل محکمی است در شکستن شوکت ستم‌گران و واژگون ساختن پرچم‌های شرک و نفاق، و درهم‌کوبیدن تجاوز ستم‌گران و رهایی بشر از اسارت نفس‌چیره. (عاشورا) مثبت‌ترین عملی است در برافراشتن کلمه توحید کلمه حقیقت و راستی، کلمه زندگی سعادت مند و مقام عالی انسانی (و تمت کلمه ربك صدقاً و عدلاً لامبدل لکلماته). پس سزاوارترین روزی که تا ابد الدهر - در جبین تاریخ - برای امت محمد (ص) زنده و تازه و درخشان باقی می‌ماند، روز حسین



- بضعه رسول الله - و پاره ای از گوشت و خون پیامبر و جگر گوشه و نور چشم وی، و گل خوش بوی او در زندگانی دنیاست که حقاً بایستی آن روز را بزرگ ترین روز خدا - روزی که قبل از هر کس به خدا منصوب است - و روز پیامبر خدا و روز عید قربان رسول خدا و «ذبح عظیم» آن حضرت دانست. «ابوالمؤید موفق خوارزمی حنفی» که در سال ۵۶۸ ه. ق وفات یافته است - در جلد اول کتاب خود «مقتل الامام السبط الشهيد» که معروف و متداول است، در صفحه ۱۶۳ آورده است: «بعد از آن یک سال تمام، از ولادت «حسین» گذشت، دوازده فرشته سرخ رو، برسول خدا نازل شدند و در حالی که پر و بال خود را گسترده بودند، چنین گفتند: ای محمد! بر سر فرزندان - حسین - آن خواهد آمد که از ناحیه قاییل بر سر هاییل آمد و خداوند نظیر پاداشی را که به هاییل داد به او خواهد آمد و نظیر کیفی را که به قاییل داد، به قاتل او می دهد. پس اضافه کرده است: هیچ فرشته ای در آسمان نماند، مگر این که بر رسول خدا نازل شد و او را سر سلامتی داده و به پاداشی که از طرف خدای تعالی به وی عطا می شود، آگاه می ساخت و تربت «حسین» را به آن حضرت عرضه می داشت و آن جناب می گفت: بارالها! دچار خذلان کن، آن کسی را که حسین مرا یاری نمی کند و بکش آن کسی را که او را می کشد و او را از آرزوهایش بهره مساز! بعد از آن که دو سال تمام از میلاد حسین گذشت، رسول خدا برای سفر

بیرون رفت وقتی مقداری راه پیمود، ناگهان ایستاد و با چشم گریان گفت: «أنا لله و انا اليه راجعون» سبب پرسیدند: فرمود: این جبرئیل است مرا از سرزمینی در کنار فرات خبر می دهد که اسمش «کربلا» است. فرزندم - حسین بن فاطمه - در آن جا کشته می شود. پرسیدند: چه کسی او را می کشد؟ فرمود: مردی به نام یزید - که خداوند وجود وی را بی برکت گرداند و گویا هم اکنون اقامت گاه و دفن او را در آن سرزمین می بینم، در حالی که سرش را به ارمغان می برند. به خدا سوگند! کسی از دیدن سر فرزندم حسین خوشحال نمی شود مگر آن که خداوند او را دچار نفاق نموده و میان قلب و زبانش مخالفت می افکند؛ یعنی، ایمانی را که به زبانش ادعا می کند، در دلش نمی ماند» و نیز ابوالمؤید اضافه می کند: «سپس رسول خدا از این سفر برگشت و در حالی که غمناک بود، به منبر رفت و در ضمن این که حسن و حسین در مقابلش قرار داشتند، برای مردم خطبه ای ایراد نمود و موعظه کرد، بعد از فراغت از خطبه، دست راست خود را بر سر حسین نهاده و سر را به سوی آسمان برداشت و عرض کرد: بار الها من بنده تو و پیامبر تو محمّد و این دو کودک پاکان عترت منند و برگزیدگان ذریّه من نسل منند که بعد از خود باقی می گذارم. بار الها! جبرئیل به من خبر آورده که این فرزندم - حسین - بی یار و یاور کشته خواهد شد، پروردگارا کشته شدن او را برای من مبارک گردان و او را از سادات شهیدان - قرار ده که تو بر هر چیز توانایی. پروردگارا در

قاتل او و کسی که یاری اش کند، مبارکی و میمنت قرار مده.» آن گاه ابوالموید می گوید: «مردم در مسجد - وقتی این کلام را شنیدند - یک پارچه گریه سر دادند، حضرت فرمود: آیا گریه می کنید، ولی یاری اش نمی کنید؟ پروردگارا! تو خودت ولی - و یار او باش.» سپس ابوالموید خطبه ای را که آن حضرت بعد از مراجعت از سفرش و چند روز قبل از وفاتش ایراد کرده بود از «ابن عباس» نقل می کند و شاید خطبه مزبور بعد از مراجعت از «حجّه الوداع» بوده است و به هر حال عبارات آن خطبه به آن چه ما نقل کردیم، نزدیک است. و چه بسا این گمان به ذهن بیاید و گمان مردم تیز هوش، عین یقین است. که همان تکرار سوگواری هایی که رسول خدا (ص) در خانه همسرانش برپا می داشت، بر اثر فرار رسیدن سال روز میلاد و یا سال گرد شهادت سبط پیامبر - حسین سلام الله علیه - و یا بر اثر هر دو بوده است. (سنّه الله فی الذین خلوا من قبل ولن تجد لسنة الله تحویلاً) روایت هایی که ذکر شده و صدها روایت دیگر که در این نوشتار نمی گنجد، از منابع معتبر و اعتمادشدهی محدثان و صاحب نظران فرهیخته اهل سنت، نقل شده است. حال جای این پرسش باقی می ماند که در تعیین تکلیف مسلمانان در امر عزاداری برای سید آزادگان حضرت امام حسین (ع)، دستورهای پیامبر خدا که با تواتر نقل می شود، پذیرفتنی است و یا القای آن گم راه کننده ابن تیمیّه خبیث و ملحد؟ پاسخ بر کسی پوشیده نیست.

### **دلالت روایت های شیعه به «سوگواری برای امام حسین علیه السلام»**

روایت های شیعه که از پیامبر عظیم الشان اسلام و دیگر پیشوایان معصوم شیعیان و دودمان نبوت در

باب «فضیلت سوگواری و عزاداری» برای سید شهیدان، پیشوای آزادگان حضرت ابا عبدالله الحسین» نقل شده بی شمارند. و در این جا از باب نمونه به ذکر روایت های محدود و کوتاه بسنده می کنیم: در مناقب از ابن عباس نقل شده که رسول خدا (ص) را در عالم رؤیا، بعد از کشته شدن سید الشهداء دید، در حالی که گرد آلوده و پا برهنه و گریان بود. دامن پیراهن را بالا کرده و به دل مبارک چسبانیده، مثل کسی که چیزی در دامن گرفته باشد، و این آیه را تلاوت می نمود: (و لا تحسبن الله غافلاً عما يعمل الظالمون) و فرمود: رفتم به سوی کربلا- و جمع کردم خون حسینم را از زمین و اکنون آن خون ها در دامن من است و من می روم برای آن که مخاصمه کنم با کشتندگان او نزد پروردگار. و در روایتی آمده است که «داخل شدم بر ام سلمه (رضی الله عنها) در حالی که می گریست، پس پرسیدم از او که برای چه گریه می کنی؟ گفت: برای آن که دیدم رسول خدا (ص) را در خواب و بر سر و محاسن شریفش اثر خاک بود گفتم: یا رسول الله برای چه شما غبار آلود هستید، فرمود در نزد حسین بودم هنگام کشتن او و از نزد او می آیم.» و در روایت دیگر از مرحوم شیخ عباس قمی (ره) آمده است که: «صبح گاهی بود که ام سلمه می گریست، سبب گریه را پرسیده اند، خبر شهادت حسین (ع) را داد و گفت: ندیده بودم پیغمبر (ص) را در خواب، مگر دیشب که او را با صورت متغییر و با حالت اندوه ملاقات کردم سبب آن حال را از او پرسیدم فرمود امشب حفر

قبور می کردم برای حسین و اصحابش.» شیخ عباس قمی می نویسد: «و از جامع ترمذی و فضایل سمعانی نقل شده که ام سلمه پیغمبر خدا (ص) را در خواب دید که خاک بر سر مبارک خود می ریخت، عرضه داشتم که این چه حالت است، فرمود: از کربلا می آیم.» و در جای دیگر است که آن حضرت گرد آلود بود و فرمود: از دفن حسین فارغ شدم. شیخ صدوق در کتاب امالی روایت را از ابو عماره المنشد از امام صادق (ع) نقل می کند و می گوید: «قال قال لی: یا ابا عمّاره انشدنی فی الحسین بن علی قال: فانشدتم فبکی، قال فوالله: ما ذلت انشده و یکی حتی سمعت البكاء من الدار، قال فقال: یا ابا عمّاره! من انشد فی الحسین بن علی (ع) فابکی خمسين، فله الجنّه، و من انشد فی الحسین شعراً، فابکی عشرين، فله الجنّه، و من انشد فی الحسین شعراً فابکی عشره، فله الجنه و من انشده فی الحسین شعراً، فابکی واحداً، فله الجنّه، و من اشد فی الحسین شعراً، فبکی فله الجنّه و من انشد فی الحسین شعراً، فبکی فله الجنه، و من انشد فی الحسین شعراً فتباکی، فله الجنه؛ ای ابو عمّاره شعری در مرثیه حسین (ع) اشاره کن، چون آغاز مرثیه نمودم، آن حضرت بگریست، سوگند به خدا چندان بگریست، که جدران خانه با گریه آن حضرت هم آواز گشت و بانگ گریه دار را نیک بشنیدم آنگاه فرمود: ای ابا عمّاره کسی که انشا کند از مرثی حسین و پنجاه تن را بگریاند، از برای او است بهشت خدای، و کسی که قرائت کند مرثیه حسین را و سی تن را بگریاند بر وی فرض افتد و کسی که

مرثیه بگوید و ده تن را بگریاند بهشت از برای اوست و کسی که انشای شعری کند و یک تن را بگریاند، در بهشت جای کند و کسی که شعری گوید و خویشتن بگرید جزای خویش بهشت یابد و کسی که در مرثیه حسین انشای شعری کند و خویشتن را چون گریه کنندگان و نماید، هم بدان از سکنه بهشت گردد.» در رجال کشی روایتی است که سلسله سند آن به زید شحام می‌رسد، او می‌گوید: ما جماعتی از اهل کوفه در محضر امام صادق بودیم که جعفر بن عقیل بر آن حضرت وارد شد، حضرت او را پیش خود طلبید: «فقال: یا جعفر! قال لیبک جعلنی الله فداک، قال بلغنی انک تقول الشعر فی الحسین و تجید، فقال: نعم جعلنی الله فداک، قال قل نانشدتم فبکی و من حوله حتی صارت الدموع عن وجهه و لحيته ثم قال: یا جعفر! و الله لقد شهد ملائکة الله المقربون ههنا یسمعون قولک فی الحسین و لقد بکوا کما بکینا و اکثر و لقد اوجب الله تعالی لک یا جعفر فی ساعته الجنة بامرها و غفور الله لک، فقال یا جعفر! الا اریدک؟ قال: نعم یا سیدی قال: ما من احد قال فی الحسین شعرا فبکی و ابکی به الا اوجب الله له الجنة و غفر له؛ صادق آل محمد فرمود: ای جعفر! عرض کرد جان من فدای تو باد فرمان چیست؟ فرمود به من رسیده است که تو در مرثیه حسین، انشاد شعر نیکو توانی کرد، عرض کرد چنین است. فرمود انشاد کن. لا جرم آغاز قرائت مرثیه کرد، آنحضرت چندان بگریست که آب چشم مبارکش از چهره و لویه

در گذشت. آنگاه فرمود: ای جعفر! فرشتگان خدا کلمات تو را امضا نمودند و سخت بگریستند چنانکه ما می گرییم بلکه افزون گریستند و خداوند در این ساعت بهشت را بر تو واجب گردانید. و گناهان تو را معفو داشت آنگاه فرمود: ای جعفر هیچ خواهی این فضیلت بر زیادت از این باز گویم؟ عرض کرد. ای مولای من! اینک روا باشد، فرمود نیست کسی که شعری در مرثیه حسین گوید و بگرید یا بگریاند مگر آن که خداوند بهشت را بر وی واجب گرداند و گناهان او را به جمله در گذراند. و نیز در کامل الزیارة از عبدالله بن غالب روایت شده است که گفت: «روزی در محضر امام صادق شرف یاب شدم و شروع کردم به مرثیه سرایی برای حسین (ع) چون شعر به این جا رسید: لَبَّيْهِ تَسْقُوا حَسِينَا بِمَسْقَاهِ الثَّرَى غَيْرِ التَّرَابِ از پشت پرده صدای ناله و فریاد بلند شد.» ابو هارون المکفوف گوید: «خدمت ابو عبدالله امام صادق شرف یاب شدم، به من فرمود: در مرثیه جدم حسین شعری قرائت کن. من شعری قرائت کردم، امام فرمود: اشعار را در مرثیه حسین به گونه ای قرائت کن که گویی بر سر قبر آن حضرت هستی، آن گاه این شعر را خواندم: «امور علی جدت الحسین بکربلا فقل لا عظمته الزکیه؛ در کربلا به قبر حسین گذر کن و با استخوان های پاکیزه او بگو.» آن حضرت سخت گریست و من خاموش شدم، سپس به من فرمود: «یکبار دیگر تکرار کن.» پس من تکرار کردم. آن گاه فرمود: «شعری دیگر بخوان» پس من این شعر را خواندم: «یا مریم قومی فاندبی مولاک و علی الحسین فاسعدی ببکاک؛ ای مریم برخیز و بر مولای خود گریه

کن و با گریه ات بر حسین او را یاری نما.» امام صادق سخت گریه کرد و گریه زنان از پس پرده بالا گرفت، گاهی صدای گریه و ناله به شدت بالا رفت و به من فرمود؛ «یا ابا هارون! من انشد فی الحسین، فابکی عشره، ثم جعل ینقص واحدا واحدا حتّی بلغ الواحد، فقال: من انشد فی الحسین فابکی واحدا، فله الجنّه، ثم قال: من ذکره فبکی، فله الجنّه؛ «ای ابا هارون، کسی که در مرثیه حسین شعری گوید و ده تن را بگریاند، آن گاه از این عدد یک یک کم کرد و فرمود اگر کسی در عزای حسین شعری بخواند و یک تن را بگریاند، بهشت بر او واجب می شود. پس فرمود: کسی که یاد کند حسین را و خودش گریه کند جای او در بهشت است.» حال این پرسش مطرح است، آیا در زمینه عزاداری برای سید شهیدان حسین بن علی (ع) امام صادق که وارث علم پیامبر بوده، آگاه تر است یا ابن تیمیه که خود در دفاع از یزید و آل امّیه دامن همّت به کمر زده است، نظریه پذیرفتنی تری دارد؟ آیا در زمینه عزاداری ها راه درست آن است که شخص پیامبر و وارثان به حق علم او چون امام باقر و امام صادق پیموده اند، یا راه و مشرب فرقه وهابیت که سر در آبشخور ابن تیمیه و آل امّیه فرو برده اند؟ پاسخ این پرسش را به خوانندگان واگذار می کنیم. پایان



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

